

شوخی‌های رئیس جمهوری اصلاحات!

نادره افشاری

کم‌کم رئیس جمهوری اصلاحات دارد چیزی می‌شود شبیه به بهلول یا مثلاً ملا نصرالدین یا دلقک دیگری از همین دست که جملات قصارش دل از عارف و عامی می‌رباید و برخی سیاسی‌کاران همیشه سیاست باز اپوزیسیون چند تا نقطه‌ی ما را، با همین افاضات چند طبقه‌اش به میدان تبلیغات انتخابات می‌کشاند.

مثلاً وقتی سید اسدالله لاجوردی را در دهنه‌ی بازار تهران ترور کردند، جناب، این حاجی را سردار بزرگ اسلام نامید و کلی اشک در فقدان حاج آقا به ریش مبارکش سرازیر کرد. وقتی به دانشجویان در هجده تیرماه هفتاد و هشت شبیخون زده شد و ایشان را از بالای بلندی‌ها با شعار یا زهرا از ما بپذیر به پائین پرت کردند، جناب رئیس جمهوری که معمولاً برای هر چیزی بی‌مزه‌ای، مزه‌ای می‌پرانند، این بار افاضه فرمود که: از کجا که دانشجویان زندانی بیگناه به زندان افتاده باشند.

همین شخصیت بزرگ اسلامی حاج آقا رئیس جمهوری در ماه آوریل هزار و نهصد و هشتاد و چهار که تازه وزیر ارشاد اسلامی شده بود، در اولین سمینار نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور که به دلیل همدلی و دوستی میان علماء و غلامان سفارت در شهر لندن برگزار شد، در تعیین اولویت‌های استراتژیک فرهنگی تصمیم گرفت که زبان عربی را به عنوان زبان بین‌المللی جمهوری اسلامی معرفی کند. و کوشید با تأکید بر اشاعه‌ی زبان عربی به عنوان زبان بین‌المللی اسلامی در تحکیم پایه‌های اسلام، زمینه را برای اعلام زبان عربی به عنوان زبان رسمی مردم ایران فراهم آورد. همین جناب در تلویزیون حکومت اسلامی در تاریخ هجده نوامبر هزار و نهصد و نود و هفت افاضه‌ی دیگری مرتکب شد. فرمود: کسانی در ایران حق فعالیت و حیات سیاسی دارند که به اسلام و رهبری اعتقاد داشته باشند. بعد هم اضافه فرمود: با کسی که نظام را قبول ندارد و در فکر براندازی است، با زبان امنیتی و تنبیهی باید برخورد کرد! از قول همین ایشان در کیهان چاپ تهران در تاریخ ژوئن هزار و نهصد و هشتاد و شش چاپ شد که فرموده‌اند: اگر منظور از آزادی این باشد که با مبنای انقلاب اسلامی و اسلام برخورد شود، این آزادی را به هیچ وجه، مردم انقلابی ایران نمی‌تواند (قبول کند) و اجازه هم نمی‌دهد!

حضرتشان در تلویزیون حکومت اسلامی در تاریخ بیست و سه ماه مه هزار و نهصد و نود و هشت با گردن فزازی دیگری فرمود: هوشیار باشیم که در عین حالی که بر آزادی و نهادی شدن آزادی پای می‌فشاریم و برای آن فداکاری می‌کنیم، به هیچ‌وجه همسوی دشمنان [البته یعنی ملت ایران] نشویم!

کیهان چاپ تهران، شانزده اسفند هزار و سیصد و شصت و هفت از قول ایشان در رابطه با سلمان رشدی نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی نوشت: باید بر اساس حکم شرعی حضرت امام خمینی رشدی اعدام شود، و هیچ راهی برای گریز و ی از اجرای این حکم نیست!

همین تازگی‌ها هم در رابطه با در چشم انداز بودن فشارهای بین‌المللی برای دست برداشتن از تولید سلاح‌های کشتار جمعی و عدم دخالت در روند صلح خاورمیان از سوی حاکمان کشوری که ایشان کباده‌ی ریاست جمهوری‌اش را به دوش می‌کشد، فرموده‌اند: استبداد داخلی بهتر است از استعمار خارجی! البته به قول انشاهای دبستانی خودشان واضح و مبرهن است که منظورشان از استبداد داخلی همین استبداد دینی اعمال شده از سوی دولت و حکومت اسلامی است که ایشان هفت سال است کاخ ریاست جمهوری‌اش را با فریب ملت ایران اشغال کرده است.

خانم شیرین عبادی هم که جایزه‌ی صلح را برنده شد، ایشان البته شوخ طبعانه فرمودند: این که چیزی نبود! از آخرین شاهکارهای کلامی ایشان یکی دیگر هم این است که همانگونه که برای مرگ اسدالله لاجوردی عزا دار شدند و لاجوردی را سردار بزرگ اسلام خطاب کردند، برای مرگ قاضی قاتل شیخ صادق خالخال اطلاقیه‌ی بامزه‌ای مرتکب شدند. از همه جالبتر و داغ‌تر این که فرموده‌اند: در مجلس شورای اسلامی هیچ مخالفی، یعنی کسی که قانون اساسی و جزای و مدنی حکومت اسلامی را زیر سوال می‌برد، نباید حضور داشته باشد. با این همه چند دلال معاملات برای جا انداختن تئوری‌های تاریخی ایشان راه افتاده‌اند و گرد جهان می‌گردند و برای انتخابات اسفند ماه امسال تبلیغات مرتکب می‌شوند.

راستی من مدتی است به سال‌هایی فکر می‌کنم که بچه‌های ما این افاضات را می‌خوانند و از این که برخی روشنفکران ما در درونمرز و بیرونمرز این حاجی را تنها شانس نجات کشور تلقی کرده‌اند، به بی‌سوادی و ناآگاهی ما و ملت ما و اپوزیسیون و روشنفکرانش می‌خندند. جای عبید زاکانی خالی که از این گربه‌ی عابد زاهد مسلمانا تصویر تازمتری ارائه کند.